



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



اربعین  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

امام باقر  
علیه السلام

در عصر

اجتهاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اجتهاد در عصر امام باقر علیه السلام

نویسنده:

ابوالفضل هادی منش

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - موسسه عمران مساجد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست	۵
اجتهاد در عصر امام باقر علیه السلام	۶
مشخصات کتاب	۶
اشاره	۶
پایه گذاری علم اصول	۶
تبیین شیوه های صحیح اجتهاد	۸
دستور به فتوا دادن	۱۱
مبارزه با شیوه های نادرست اجتهاد	۱۲
جایگاه خردورزی دینی از نگاه امام باقر علیه السلام	۱۵
پاورقی	۱۶
درباره مرکز	۱۹

## اشاره

تردیدی نیست که بزرگ ترین رسالت مرجعیت دینی در عصر غیبت ولی عصر علیه السلام استخراج احکام شرعی از ادله و منابع دینی و قرار دادن آن در اختیار مسلمانان می باشد؛ اما در اینجا این پرسش به ذهن خطور می کند که نخستین بار، این تلاش علمی - به معنای مصطلح و امروزی آن - توسط چه کسی انجام شد؟ و در واقع چه کسی باب اجتهاد را گشود و با تمسک به اصول، آن را تبیین نمود و آیا در زمان باز بودن باب علم و حضور معصوم نیز اجتهاد صورت می گرفته است یا خیر؟ این نوشتار کوشیده است تا این پرسش را در چند بخش پاسخ دهد.

## پایه گذاری علم اصول

آن گونه که از تاریخچه ی تأسیس علم اصول بر می آید، تأسیس این علم و گردآوری قواعد آن در زمان امام باقر علیه السلام صورت گرفته است. اگر چه امیرالمؤمنین علیه السلام برخی از قواعد اجتهاد را بیان کرده بودند، اما دوران امامت امام باقر علیه السلام نقطه عطفی برای استفاده ی دانشمندان راستین اسلامی از محضر معادن علم الهی و چشمه های جوشان دانش و بینش وحیانی بود تا در این عرصه به کسب دانش و معرفت پردازند. پیش از دوران امامت امام باقر علیه السلام اوضاع خفقان بار جامعه هرگز به پیشوایان معصوم علیهم السلام اجازه نمی داد که با آسودگی خاطر به پرورش استعدادهای نهفته در جامعه ی اسلامی پردازند.

تزلزل در حکومت اموی در دوران امام باقر علیه السلام و ناتوانی حاکمان در پیاده کردن سیاستهای تجربه شده ی بنی امیه مبنی بر اعمال فشار بر شیعیان، موجب ایجاد بستر مناسب فرهنگی در این عصر گردید. اتخاذ سیاستهای دوگانه و کشمکشهای تمام نشدنی بر

سر قدرت توسط حاکمان از یک سو، و ژرف نگری امام باقر علیه السلام از سوی دیگر، زمینه ی رشد و تعالی و بارور سازی ارزشها را در بین مسلمانان پایه ریزی کرد و تلاشهای بی پایان امام در این راستا، تشنگان زلال معرفت و اندیشه را بر آن داشت که با جاری کوثر امام باقر علیه السلام، همراه شوند و هر چه بیشتر در معرض تعالیم انسان ساز آن امام همام قرار گیرند. این روند رشد، آن گونه در دانشمندان مختلف علوم دینی در زمینه های تفسیر، حدیث، کلام، فقه، اصول و ... نهادینه شد که امروز کمتر کتابی از متون دینی اسلامی، خالی از کلمات تابناک آن حضرت می باشد.

از جمله تلاشهای گسترده ی امام در این عرصه تبیین شیوه های صحیح استنباط حکم شرعی از منابع دینی بود که بیش از پیش به اعتلا و توانمندی فقه شیعه غنا بخشید. امام باقر علیه السلام شخصا بر این امر مبادرت ورزید و با تدوین قواعد علم اصول و آموزش آن به شاگردان مکتب خویش، گام مهم و کارسازی در پیش برد اهداف بلند اجتهاد برداشت؛ به گونه ای که امروز شیعه می تواند با سربلندی اذعان دارد که میراث دار دانش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان او علیهم السلام در بهره گیری از منابع دینی در قالب اجتهاد و استنباط حکم شرعی می باشد.

مرحوم صدر در این باره می نویسد:

«به واقع، اولین کسی که دروازه ی علم اصول [و اجتهاد در احکام] را گشود و به تبیین و ترفیع قواعد آن پرداخت، امام ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام و پس از او، فرزند برومندش، ابو عبدالله الصادق علیه السلام است.

این دو بزرگوار با آموزش قواعد آن به بسیاری از شاگردان خود، و آنان نیز با جمع آوری و نگاشتن آن مسائل و قواعد، گام بزرگی در فقه و اصول شیعه برداشتند. [۱].

علامه سید محسن امین می نویسد: «مسلمای بیشترین قواعد اصولی که از امامان معصوم علیهم السلام روایت شده، از امام باقر علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام می باشد. سیوطی در [کتاب خود] «اوائل» بر این باور است که نخستین کسی که علم اصول را تصنیف کرد، امام شافعی بوده است. در پاسخ او می گوییم: نخستین کسی که پیش از شافعی علم اصول را گشود و مسائل آن را بیان کرد، امام محمد بن علی الباقر علیه السلام و فرزند [بزرگوار] ایشان جعفر الصادق علیه السلام است که برای اصحاب خویش مسائل مهم آن را تبیین نمودند ... اولین کسی که در علم اصول سخن رانده و هشت قاعده در زمینه ی علوم قرآنی را بازگو کرده، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است؛ همو بود که بیان کرد در قرآن ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و عام و خاص وجود دارد. به گونه ای که این قاعده ها بیشتر مباحث اصولی فقه را در بر دارد؛ اما امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام پس از امیرالمؤمنین علیه السلام نخستین کسانی هستند که پیش از امام شافعی، مبانی گسترده ی علم اصول را تبیین نمودند و مسائل آن را برای [شاگردان و] یاران خود بیان فرمودند». [۲].

### تبیین شیوه های صحیح اجتهاد

امام باقر علیه السلام به عنوان مبتکر و تدوین کننده ی علم اصول، در جایگاه برترین مرجع دینی شیعه در روزگار خویش، بر خود لازم می دانست با تبیین شیوه های صحیح اجتهاد،



به نهاده‌ی ساختن فرهنگ اجتهاد بین دانشمندان علوم اسلامی مبادرت ورزد.

از این رو، به آموزش اصحاب و شاگردان خود در راستای اجتهاد با بهره‌گیری از شیوه‌های صحیح اقدام نمود که در کتابهای اصولی، نمونه‌های فراوانی از آن به چشم می‌خورد؛ به مواردی در این زمینه توجه کنید:

۱. زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: شما در مسح پا و سر، مسح تمام سر و پا را لازم نمی‌دانید، بلکه مسح مقداری از آن را کافی می‌دانید؛ آیا ممکن است بیان کنید که این حکم را چگونه و از کجا بیان می‌فرمایید؟ امام با تبسمی پاسخ دادند: این همان مطلبی است که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بدان تصریح دارد و در قرآن نیز آمده است؛ به درستی که خداوند می‌فرماید: «فَاغْبِطُوا وُجُوهَكُمْ» [۷]؛ «پس صورت‌هایتان را بشوید». از این جمله، فهمیده می‌شود که شستن صورت واجب است. پس خداوند شستن دست‌ها را عطف بر صورت نمود و فرمود: «وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ»؛ «و دستانتان را تا آرنج بشوید». بنابراین، خداوند شستن دو دست تا آرنج را به صورت متصل [و معطوف] بیان نمود. پس دانستیم که شستن تمام دست تا آرنج لازم است. پس خداوند این دو کلام [مورد نظر و جمله ی بعد] را جدا می‌کند و جمله [بعد]، از ماقبل [خود] جدا می‌شود و با فعل جدیدی آغاز می‌گردد که: «وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ»؛ «و سرهایتان را مسح کنید». پس می‌فهمیم هنگامی که فرمود: بِرُءُوسِكُمْ، مقداری از مسح سر کافی است و [این مطلب] از مکان بآء فهمیده

می شود [که مراد مسح برخی از سر است؛ چرا که نفرموده وَامْسَحُوا رُؤُوسَكُمْ و آن را مانند فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ بدون باء نیاورده است و در واقع، امام باء را باء تبعیضیه گرفته اند]. پس خداوند، رجلین را به رأس وصل [و عطف] نموده است؛ همان گونه که یدین را به وجه وصل [و عطف] نموده. و هنگامی که فرمود: «وَأَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»؛ از اینکه رجلین را به رأس وصل کرده، می فهمیم که مسح بر برخی از قسمتهای پا نیز کافی است. [این همان چیزی است که] رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را برای مردم تفسیر کرده بودند، اما مردم سخن او را تباه ساختند. [۸].

به خوبی آشکار است که امام با تاسی به دو نکته ی ادبی در تفسیر آیه ی شریفه (اول: عدم انشاء امر جدید برای شستن دستها و عطف ایدیکم به وجوهکم با یک صیغه ی امر فَاغْسِلُوا و دوم: تبعیضیه گرفتن باء جاره در برؤوسکم و عطف ارجلکم به آن) سعی در بازگو کردن چگونگی برداشت این حکم از آیه دارند. البته امام می توانستند بدون این کار، حکم شرعی را برای مخاطب روشن سازند، اما آشکار است که ایشان در آموزش شیوه های اجتهاد به فرد پرسش کننده تلاش کرده اند.

۲. در روایتی دیگر، زراره و محمد بن مسلم می گویند: از امام باقر علیه السلام پرسیدیم: نظر شما در مورد نماز مسافر چیست؟ امام فرمود: خداوند بلند مرتبه می فرماید: «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ»؛ [۷].

«هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز خود

را کوتاه کنید.» پس تقصیر در سفر واجب شده است، همانند وجوب تمام خواندن آن در «حَضَر» .

به امام عرض کردیم: خداوند فقط فرموده بر شما «جناحی» نیست و نفرموده «افعلوا» [که ظهور در وجوب داشته باشد]، پس چگونه [از این آیه فهمیده می شود که] واجب گردانیده است؟ امام فرمود: آیا خداوند بلند مرتبه در [مورد] صفا و مروه نفرموده است: «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» ؛ [۸] «کسانی که حج خانه ی خدا و یا عمره انجام می دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند» . آیا نمی بینید طواف آن دو واجب شده است؟ چون خداوند در کتاب خود آورده و پیامبر او صلی الله علیه و آله نیز بدان عمل کرده است. تقصیر در سفر نیز همین گونه است که پیامبر صلی الله علیه و آله بدان عمل کرده است و پروردگار تعالی نیز آن را در کتابش آورده است. [۷] .

امام خمینی رحمه الله درباره ی دلایل وجود اجتهاد در عصر معصومان علیهم السلام می نویسند: «از جمله آن دلایل، روایاتی است که به چگونگی حکم شرعی از کتاب خدا اشاره می کند و به عنوان نمونه، می توان به روایت زراره اشاره نمود که چگونگی آموزش به زراره در راستای استنباط حکم شرعی از قرآن را بیان می کند.» [۸] .

### دستور به فتوا دادن

گام مهم دیگری که امام باقر علیه السلام در راستای تحکیم بنیادهای اجتهاد برداشتند، این بود که به شاگردان برجسته ی خود که از آشنایی کامل به اصول و مبادی فقه و اجتهاد در آن برخوردار بودند، دستور به فتوا دادن فرمودند تا بدین وسیله، راه اجتهاد در فقه،

هر چه بیشتر برای شیعه هموار گردد و از سویی، بستری مناسب برای مرجعیت یاران فقیه خود و نیز رجوع مردم که گاه دست رسی به امام ندارند، فراهم شود. از جمله افرادی که مستقیماً از سوی امام باقر علیه السلام بر فتوا دادن برای مردم مأموریت یافت، «ابان بن تغلب» می باشد. امام باقر علیه السلام آشکارا به او فرمود: «در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا صادر کن. همانا که من دوست دارم بین شیعیانم مانند تو بینم.» [۹].

از آنجا که ابان بن تغلب از شاگردان خاص و برجسته ی امام در زمینه ی مسائل فقهی بوده است و نیز دستور مستقیم از سوی امام مبنی بر فتوا دادن داشته، می توان نتیجه گرفت که اجتهاد در آن دوره (حضور امام) نیز جریان داشته است.

### **مبارزه با شیوه های نادرست اجتهاد**

در دوران امام باقر علیه السلام برخی از عناصر فرصت طلب زمینه را برای آشفته سازی فرهنگ دینی مهیا دیدند و با اغراض و انگیزه های گوناگون، سعی در سودجویی به قیمت خدشه دار نمودن تعالیم اسلامی داشتند. تلاش مهم امام باقر علیه السلام در این زمینه، در دو جنبه شکل گرفت: ابتدا به اصحاب و یاران نزدیک خود، خطر آسیب پذیری اجتهاد به واسطه ی شیوه های نادرست را گوشزد نمودند و آنان را از خطر افتادن در دام آن دور داشتند و در گام دیگر، خود به مبارزه با این شیوه های نادرست پرداختند.

برخی از این شیوه ها که از سوی عناصر فرصت طلب سامان دهی و گاه از سوی حاکمیت جامعه نیز حمایت و تقویت می شد در قالب عناوینی چون «قیاس»، «استحسان»، «اجتهاد در مقابل نص» و برخی گونه های «اجماع» جلوه

گر شد. [۱۰].

امام باقر علیه السلام در صف اول مبارزه، همواره اطرافیان خود را از افتادن در دام این گونه شیوه ها، برحذر می داشتند و آنان را حتی از مراوده با افرادی که در این عرصه گام می زنند و آن را دست مایه ی رسیدن به احکام شرعی می دانند، دور می داشتند. امام در گفتاری به زرارہ چنین یاد آور شدند: «ای زرارہ! بر تو باد از کسانی که در دین قیاس می کنند، دوری گزینی؛ زیرا آنان از قلمرو تکلیف خود، پافراتر نهاده و آنچه را باید می آموختند، واپس نهاده اند. و به آنچه از آنان خواسته نشده، روی آورده و خود را به سختی انداخته اند. روایات و احادیث را بنابر ذوق خود معنی کرده (استحسان) و بر خدا نیز دروغ بسته اند (اجتهاد در برابر نص) و در نظر من به سان کسانی هستند که در مقابل شان، آنان را صدا می زنی، اما نمی شنوند و سرگردان در دین هستند.» [۱۱].

و نیز می فرمود: «سنت [و احکام شرعی] قیاس بردار نیست. چگونه می توان در سنت قیاس کرد، در حالی که زن حائض [پس از دوران حیض] می بایست روزه ی خود را قضا کند، ولی قضای نماز بر او واجب نیست! [۱۲].

آن حضرت فتوا دادن برای مردم را که برخاسته از عدم آگاهی و هدایت الهی باشد، به شدت مردود شمرده، می فرمودند: «هر کس برای مردم، بدون علم و هدایت الهی فتوا بدهد، فرشتگان رحمت و عذاب او را نفرین می کنند و گناه آنان که نظر خطای او را به کار بندند، بر عهده اوست.» [۱۳].

امام در

راستای این موضوع و جهت جلوگیری از خطر ابتلاء بدان، راهکارهای مثبت و کارسازی را ارائه فرمودند که یکی از این راهکارها «توقف در شبها» بود. از آنجایی که افراد گاه به طور ناخواسته گرفتار این دام می شدند، آن حضرت بهترین راه را احتیاط در مسائل پیچیده، و واگذاری آن به اهلش اعلام نمودند. [۱۴].

در همین راستا، «ابوحمزہ ثمالی» روایت می کند که؛ روزی در مسجد الرسول صلی الله علیه و آله نشسته بودم که مردی داخل شد و سلام کرد و به من گفت: کیستی ای بنده خدا؟ گفتم: مردی از اهل کوفه، چه می خواهی؟ گفت: آیا اباجعفر محمد بن علی علیه السلام را می شناسی؟ گفتم: آری، با او چه کار داری؟ گفت: چهل پرسش و شبهه آماده کرده ام و می خواهم از او پاسخ را دریافت کنم تا آنچه را حق است، بدان حکم کنم و آنچه را باطل است، فرو گذارم. به او گفتم: آیا حق و باطل را به روشنی می شناسی؟ گفت: بله! گفتم: تو که حق و باطل را می شناسی، دیگر چه حاجتی به او [امام باقر علیه السلام] داری؟ گفت: شما کوفیان بی صبر و کم طاقت هستید.

هنوز صحبت تمام نشده بود که ابوجعفر علیه السلام وارد مسجد شد، در حالی که جماعتی از اهل خراسان و دیگر بلاد او را همراهی می کردند و از او پرسشهایی راجع به حج می پرسیدند. رفت تا در جایگاه خود بنشیند. مرد دانشمند نیز نزدیک او نشست. من نیز در محلی نشستم که صدایشان را بشنوم. چند تن از دانشمندان نیز حضور داشتند.

وقتی امام پرسشهای آنان را پاسخ داد،

متوجه مرد شد و پرسید: کیستی؟ گفت: من قتاده بن دعامه بصری هستم. امام پرسید: آیا همان فقیه اهل بصره نیستی؟ گفت: آری! ابوجعفر علیه السلام فرمود: وای بر تو ای قتاده! به درستی که خداوند بلندمرتبه و بزرگ، دسته ای از آفریدگان خود را آفرید و آنان را حجت بر دیگر آفریدگان قرار داد. آنان «اوتاد» روی زمین هستند که برای پروردگارشان ثابت قدم اند و برگزیدگان علم الهی می باشند که خدا آنان را پیش از آفریدن انسانها برگزید و در سایه سار عرش خود جای داد. قتاده مدتی طولانی سکوت کرد و سر فرو افکند. سپس گفت:

پروردگار تو را آرامش بخشید! به خدا قسم که من پیش روی بسیاری از دانشمندان نشسته ام و حتی ابن عباس را هم درک کرده ام، ولی هرگز این گونه که در محضر شما مضطرب و پریشانم، نزد هیچ کدام آنها نبوده ام.

اباجعفر علیه السلام فرمود: وای بر تو! خیال می کنی کجا هستی و پیش روی چه کسی نشسته ای؟ تو در مقابل کسی نشسته ای که خداوند در مورد آنان فرموده: «فِي يَوْمٍ أَذَنَّ اللَّهُ أَنَّ تَرْفَعُ وَيُذَكَّرُ فِيهَا شَيْئُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ» [۱۵] قتاده گفت: به خدا سوگند! راست گفתי، فدایت شوم! آن خانه ها از سنگ و گل نیست [و همان است که خود فرمودید]. اکنون بفرمایید حکم پنیر چیست؟ امام باقر علیه السلام لبخندی زد و فرمود: سؤال فقط همین بود؟ پاسخ داد: همه را اکنون فراموش کرده ام. امام فرمود: اشکالی ندارد. [۱۶].

### جایگاه خردورزی دینی از نگاه امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام جایگاه ویژه ای برای فقه و تعمیق

در آن و به اصطلاح تفقه در دین قائل بودند و فقیه در دین را شخصیتی ممتاز و برجسته معرفی می کردند و می فرمودند: «مُتَّفَقٌ فِي الدِّينِ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ عَابِدٍ» [۱۷] وجود یک فقیه در دین برای شیطان از عبادت هزار عابد سخت تر است.

ایشان ضمن تشویق و ترغیب دیگران به تفقه در دین می فرمودند: «تَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَ إِلَّا فَانْتُمُ أَعْرَابٌ» [۱۸] در حلال و حرام تفقه کنید تا از «اعراب» [بادیه نشین] نباشید.

همچنان که خداوند متعال درباره ی نادانی و جهل اعراب بادیه نشینی که به سختی اسلام را می پذیرفتند، فرمود: «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا»؛ [۱۹] «اعراب [بادیه نشین] کفر و دورویی شان بیشتر است.» اگر چه روایت فوق به طور مستقیم دلالت بر اجتهاد ندارد، اما می توان گفت که به گونه ای تلویحی به ترغیب و تشویق مردم نسبت به آن می پردازد. از این رو، امام باقر علیه السلام نسبتاً در این زمینه به اصحاب و نزدیکان خود سخت گیر به نظر می رسیدند و گاه با تهدید زمینه های تحریک آنان را برای دنبال کردن این سنت فراهم می آوردند و می فرمودند: «اگر جوانی از جوانان شیعه را نزد من آورند که دنبال تفقه در دین نباشد، او را تنبیه خواهم کرد.» [۲۰] که از این مطلب به خوبی حساسیت و اهمیت موضوع فهمیده می شود.

## پاورقی

[۱] همان.

[۲] اعیان الشیعه، سید محسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷.

[۳] مائده/۶.

[۴] وسائل الشیعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۲۹۰.

[۵] نساء/ ۱۰۱.

[۶] بقره / ۱۵۸.

[۷] بحارالانوار،



محمد باقر مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۲۷۶.

[۸] الرسائل، روح الله خمینی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۱۲۸.

[۹] قاموس الرجال، شیخ محمد التستری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۹۷.

[۱۰] به یاد داشته باشیم که اهل سنت هر گونه اجماع را معتبر می دانند که همه آنها در فقه شیعه معتبر نیست و فقط اجماعی که کاشف از قول معصوم باشد، در مواردی حجیت دارد. ر.ک: اجتهاد و تقلید، محمد دشتی، قم، نشر مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۱۹.

[۱۱] وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۹.

[۱۲] بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰۸، عَنْ ابی جعفر علیه السلام قال: «إِنَّ السُّنَّةَ لَا تُقَاسُ، وَ كَيْفَ تُقَاسُ السُّنَّةُ وَ الْحَائِضُ تَقْضِي الصَّيَّامَ وَ لَا تَقْضِي الصَّلَاةَ».

[۱۳] بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۱۸. عَنْ ابی جعفر علیه السلام قال: «مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى مِنَ اللَّهِ لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ، وَ لَحِقَهُ وَزْرٌ مَنْ عَمِلَ بِفُتْيَاهُ».

[۱۴] به عنوان نمونه ر.ک: بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰۷.

[۱۵] نور/ ۳۶ و ۳۷: «در خانه هایی که خداوند رخصت داده که [قدر و منزلت آنها] رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه ها] هر بامداد و شامگاه او را نیایش کنند، مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی دارد».

[۱۶] أنوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیه، شیخ عباس قمی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۳۶؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۳۵۸.

[۱۷] بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، ابوجعفر بن الحسین

بن فروخ صفار القمي، قم، منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤٠٤ق، ص ٧.

[١٨] بحار الانوار، ج ١، ص ٢١٤.

[١٩] توبه / ٩٨.

[٢٠] بحار الانوار، ج ١، ص ٢١٤.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌ات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

# خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**www.Ghaemiyeh.com**

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹